

تجسس در حریم خصوصی مردم با تاکید بر آرای فقهی

امام خمینی و سایر فقهای معاصر

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۸)

محمدعلی سالاری

چکیده

حریم خصوصی و شناخت مفهوم و محدوده‌ی آن برای افراد جامعه، یکی از مبانی اصلی حفظ حقوق افراد و مصون ماندن حریم آنان از تعرض می‌باشد. از این رو این پژوهش، با روش توصیفی- تحلیلی و گردآوری اطلاعات از کتابخانه‌های تخصصی فقهی و نرم‌افزارهای علوم اسلامی، حریم خصوصی مردم را از نظر اندیشه‌های امام خمینی (ره) و فقهای معاصر مورد بررسی قرار داده است. پس از بررسی مسائل مذکور در این رساله، به این مهم، دست می‌یابیم که حریم خصوصی ناظر بر حفظ جان، مال، حیثیت و کرامت انسان‌ها است. از این رو امام خمینی (ره) به عنوان معمار کبیر انقلاب اسلامی، به ابعاد مختلف امنیت توجه داشتند و با مذاقه در اندیشه‌های امنیتی ایشان می‌توان به این مهم دست یافت که ایشان به امنیت اشخاص و شهروندان اعتقاد داشتند. برخی از مؤلفه‌های حریم خصوصی از منظر امام (ره) و فقهای معاصر عبارتند از: حق برخورداری از آزادی برای شهروندان در عرصه‌های عقیده و اندیشه، منصب و شغل، اقلیت‌های مذهبی و دارایی‌های شخصی می‌باشد. در بین احکام شریعت اسلام دو سنخ مهم از دستورات موازی را میتوان یافت نمود. نوع اول دستوراتی که امت اسلامی را از تجسس و دخالت در امور یکدیگر و تلاش برای دریافت اطلاعات شخصی دیگران نهی کند؛ لذا با توجه به نظام حقوقی چنین تداعی میشود که دین اسلام درصدد ایجاد اصل حریم خصوصی و عدم جواز هتک و تجسس در آن برای حفظ حقوق عمومی و فردی افراد می‌باشد.

واژگان کلیدی: تجسس، حریم خصوصی، اقلیت مذهبی، امام خمینی (ره)، فقهای معاصر

مقدمه

گرچه تفکیک حوزه خصوصی از حوزه عمومی قدمتی به‌درازای حیات انسانی دارد، اما توجه فزاینده به قلمرو و اهمیت زندگی خصوصی و حفظ آن در برابر عوامل تهدیدکننده از مسائل عصر جدید است. دامنه حوزه خصوصی و گستره حوزه عمومی به بسیاری از عوامل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بستگی دارد و با تغییر این عوامل، قلمرو حیات خصوصی و عمومی دست‌خوش تغییر می‌گردد. شناسایی حریم خصوصی به‌عنوان حقی از حقوق مدنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، که البته برخورداری و اعمال این حق با مشکلات و معضلات چندی همراه است. پذیرش حریم‌هایی که هیچ‌کس حتی دولت نتواند وارد آن شود و تعریف ضابطه‌ی معین برای ورود به آن حوزه و مطالبه از دولت برای شناسایی این حق در اجرای آن و مجازات کردن افرادی که بدون دلیل، این حریم را نقض می‌کنند از جمله‌ی عواملی است که در تحقق مشکلات و معضلات مربوط به حریم خصوصی، ماهیت و قلمرو آن نقش آفرینی داشته‌اند. بنابراین با توجه به مطالب بیان شده، نقش تحولات علمی و فنی نیز در اهمیت یافتن حریم خصوصی بسیار چشمگیر بوده است. تحولات علمی و فنی سبب شده است به دست‌آوردن، ضبط و نگهداری حجم انبوهی از اطلاعات خصوصی افراد به آسانی و با روش‌های مختلف پنهانی و آشکار ممکن شود. این نگرانی وجود دارد که آن‌ها از اطلاعاتی که خواسته یا ناخواسته جمع‌آوری می‌کنند، سوءاستفاده کنند و به ویژه آن اطلاعات را به ضرر افرادی که اطلاعات به آن‌ها مربوط می‌شوند، به کار برند. حمایت از حریم خصوصی می‌تواند مانع از آن شود که اطلاعات راجع به زندگی خصوصی، به وسیله‌ای برای درهم شکستن آزادی و استقلال انسان‌ها، سلطه یافتن بر آن‌ها و استفاده‌ی ابزاری از آن‌ها تبدیل شود. انسان‌ها غالباً عیب‌ها و خطاهای خود را از دیگران پنهان می‌کنند. در بسیاری از موارد، چون این خطاها در خلوت و دور از انظار واقع می‌شوند و غالباً با امور عمومی و اجتماعی ارتباط ندارند، انسان‌ها مستحق هستند تا آن‌ها را از دیگر اشخاص پنهان دارند. جامعه نیز غالباً نفع مشروعی در دانستن امور و لغزش‌های افراد خود ندارند؛ تا اینکه روز قیامت فرا رسد و خداوند بر کتمان یا افشای نهانی‌ها و خطاهای مردمان تصمیم خواهد گرفت. بنابراین، مادام که ضرورت مبرم

اجتماعی ایجاب نکند، باید از افشای امور خصوصی و مکتوم افراد، امتناع شود و حمایت از حریم خصوصی در صدد است چنین هدفی را برآورده سازد. لذا در این پژوهش سعی شده تا مفهوم و حدود و ثغور حریم خصوصی تبیین گردیده و مبانی مشروعیت آن تحلیل و حمایت‌های فقهی بالأخص دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و فقه‌های معاصر مورد مطالعه قرار گیرد.

بخش اول: بررسی پیشینه موضوع

با وجود آنکه امام خمینی (س) در طول دوران حیاتشان و همچنین فقهای معاصر توجه ویژه‌ای به موضوع حقوق بشر داشته‌اند، اما تحقیقات و پژوهش‌های اندکی به‌طور خاص به این حوزه از اندیشه امام خمینی پرداخته‌اند. در ادامه به نقد و بررسی این تحقیقات می‌پردازیم.

- «حق آزادی و نظارت مردم از منظر امام خمینی (س)»، عنوان مقاله‌ای است که خانم رضیه موسوی‌فر در قالب آن به بررسی دو موضوع پرداخته است: اول، تبیین اندیشه امام خمینی در مورد حق نظارت مردم و محدوده آن و دوم، آزادی به عنوان اساسی‌ترین حق مردم در اندیشه امام خمینی (س). نویسنده در مورد موضوع اول می‌نویسد که محدوده آزادی به نظر امام خمینی همان است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی مطرح شده و به تأیید امام رسیده است و بعد به نقد این نظر می‌پردازد و مکرراً به سخنان امام در مورد آزادی در ابعاد گوناگون رجوع می‌کند و سخنان زیادی را در ضرورت آزادی از دیدگاه امام مطرح می‌کند و در آخر این بحث، ضمن نتیجه‌گیری بیان می‌کند که به‌طور خلاصه فصل الخطاب آزادی در اندیشه امام خمینی (س) اسلام و قانون است و آزادی یک موهبت الهی است که هیچ محدودیتی ندارد مگر به حکم قانون و اسلام. در مورد بحث دوم، موسوی‌فر ابتدا این سؤال اصلی را مطرح می‌کند که آیا اصولاً امام معتقد به نظارت مردم هستند یا نه؟ پس از آنکه به این سؤال پاسخ مثبت می‌دهد، به نقد این پاسخ با توجه به سخنان امام می‌پردازد و در این اثنا مکرراً به سخنان امام رجوع کرده است. در ادامه نویسنده از قول امام بیان می‌کند که اسلام دینی است که بحث نظارت مردم بر جامعه را در درون خود دارد و این به وسیله مطالعه نظریات اسلام و نظریات پیشوایان دین اسلام به خوبی ثابت می‌شود (موسوی‌فر، ۱۳۸۵، صص ۴۵۹-۴۴۹).

- «اهمیت حریم خصوصی در فقه اسلامی»، عنوان مقاله‌ای است آقای معین غلامعلی پور به چاپ رسیده است. در این مقاله محقق به مسأله‌ی حریم خصوصی که یکی از اساسی‌ترین مفاهیم حقوق بشر است، حمایت می‌کند. می‌توان در یک تقسیم کلی آن را به حریم مادی مشتمل بر حریم مکانی، جسمانی و اموال و حریم معنوی شامل حریم اطلاعات، ارتباطات و حیثیت اجتماعی تفکیک نمود. عواملی همچون عدم آشنایی عموم سازمان‌ها با مصادیق حریم خصوصی، ناآگاهی افراد از حقوق و وظایف خود در زمینه حفظ حریم خصوصی، ناآشنایی کاربران با خط مشی‌های حریم خصوصی در جامعه مجازی، کوتاهی شبکه‌های اجتماعی در حفظ حریم خصوصی کاربران و کمبود قواعد و آیین‌نامه‌ها برای افراد و سازمان‌ها جهت حفظ حریم خصوصی، لزوم تحقیق در این راستا را ضروری‌تر می‌نماید (غلامعلی پور، ۱۳۹۴ش، صص ۱۴۱-۱۲۴).

بخش دوم: حریم خصوصی در لغت و اصطلاح

«حریم» در لغت وزن فعلیل از ریشه‌ی «حرم»، فعلیل به معنا مفعول، به معنای محدوده، بازداشته شده، گرداگرد، دوروبر و اطراف است (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴ش، ج ۲، ص ۸۲۴)؛ در واقع، حریم در لغت به محدوده‌ای از اشیاء اطلاق می‌شود که در راستای صیانت از حقوق و بهره‌برداری از آن لازم و ضروری است (فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۳)، و نیز هر امر ممنوعی است که هتک آن جایز نباشد (سعدی، ۱۴۰۸ق، ص ۸۶). به معنی آنچه حرام شده و مس آن جایز نباشد (عمید، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۳۶)؛ و نیز به معنی پیرامون و گرداگرد خانه و عمارت، مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب باشد (بهشتی، ۱۳۸۰، ص ۲۵۸). از منظر دین اسلام، مؤمنان، آزادانه و با اختیار در تدبیر زندگی خصوصی و عمومی خود، ضوابط الهی را لحاظ می‌کنند. اگر شخصی مرتکب حرامی می‌شود یا واجبی را ترک می‌کند، تنها به او و انتخاب او بستگی دارد. مؤمن موظف نیست گناहانی که در زندگی خصوصی خود مرتکب شده و حتی اگر مجازات دنیوی نیز داشته باشد، به احدی ابراز کند، به شرطی که در آن پایمال کردن حقوق دیگر مردم نباشد. همین که توبه کند کافی است و هیچ‌کس هم حق ندارد خود را نماینده‌ی خدا در زمین بداند و مردم را جهت توبه به نزد خود دعوت کند؛ رابطه‌ی انسان و

خداوند در اسلام مستقیم است و نه تنها برای انسان گناهکار، حتی برای رهبر گناهکاران یعنی خود ابلیس نیز محدودیتی نیست. از منظر دین اسلام، مؤمن کسی است که همه‌ی ابعاد زندگی خود را با ضوابط الهی سازگار می‌کند. بر این اساس تفاوتی بین حوزه‌ی عمومی و خصوصی نیست. خداوند از زندگی خصوصی اشخاص مطلع است، نه تنها جسم بلکه نهانی‌های درون را نیز می‌داند و اگر زنی را مأمور می‌کند که هنگام نماز خواندن، پوشش را - جز دو کف دست و صورت - رعایت کند، او را در واقع، برای بیرون و جامعه تربیت می‌کند، تا اینکه به گونه‌ای خود را از دید و نگاه افراد نامحرم بپوشاند اندام او را نبیند.

بخش سوم: مبانی فقهی حریم خصوصی

حمایت اسلام از نفس انسان، حمایتی همه‌جانبه است که همه‌ی حقوق و آزادی‌های او را در بر می‌گیرد و اسلام هیچ‌یک از این حقوق را فرونگذارده، بلکه به طور کامل و شامل آن‌ها را مورد حمایت قرار داده و تمام آزادی‌ها را پاس داشته است. حمایتی که اسلام در این زمینه مطرح نموده صرفاً یک حمایت تئوریک نیست، بلکه اسلام دینی است برای تبعیت و برنامه‌ای است برای عمل؛ زیرا تجاوز به حق یا هتک حرمت یا سلب آزادی، مخالف تکلیف و به معنای نافرمانی از خالق است و هر معصیتی، برای صاحب آن مجازات می‌آفریند (حسان، ۱۴۳۰ق، ص ۱۵). اسلام توجه به حریم خصوصی افراد را به عنوان یک دستور مهم تربیتی در زندگی اجتماعی و خانوادگی شناخته و بر این امر مهم صحه می‌گذارد و حتی در کتاب و سنت گزاره‌های مختلفی وجود دارد که دلالت بر اهمیت حریم خصوصی انسان‌ها و مصونیت آن دارد.

بند اول: ممنوعیت افشاء سِر

یکی از اوصاف بارز و عالی بشری، فکر و اندیشه است که با فعل و انفعال دائم در اندرون انسان، به وی حیات معنوی می‌بخشد و او را از دیگر جنبندگان متمایز می‌سازد (هاشمی، ۱۳۸۴ش، ص ۳۲۰). اسلام به عنوان یک دین فراگیر که خطاب آن به تمام جهانیان است، ضمن دعوت متفکرانه‌ی مردم به پذیرش دین و پرهیز از هر نوع تحمیل و فشار عقیدتی، راه مجادله را برای ارباب تفکر باز می‌گذارد و فرصت هر نوع دگراندیشی را، به شرط آنکه

موجب فشار بر دیگر هموعان نشود و به مصالح اسلام لطمه ای وارد نکند، فراهم می سازد. آزادی انسان بالاخص آزادی او در انتخاب عقیده، یکی از بارزترین ارزش های متعالی و یکی از مهم ترین مقاصد شریعت است و شاید جزو مهم ترین نقش هایی است که ایمان و توحید به طور خاص آن را ایفا می کنند. این آزادی به معنای رها کردن انسان از بندگی مخلوقات و رها نمودن او از بند خرافات و بت پرستی، مرتبط ساختن او به خدای متعال است به گونه ای که جز از خدا خوفی نداشته باشد و جز از او یاری نجوید و به غیر او توسل ننماید. بلکه به طور کامل، آیات متعددی نازل شده (نحل: ۷۸-۷۳)، که از این نوع آزادی حمایت و از آن دفاع می کند و آن را جوهر انسانیت می شمارد که اگر آن را از دست بدهد، نقش خود را در هستی گم می کند.

بند دوم: ممنوعیت استراق سمع و بصر

استراق بصر در کتب روایی مبحثی تحت عنوان «النظرُ إلی دارالغیر بغیرِ اِذنه» (مامقانی، ۱۳۸۲ق؛ به نقل از شهباز قهقرخی، ۱۳۹۴، ص ۹۷) وجود دارد که صراحتاً در خصوص نقض حریم خصوصی اشخاص در منزل می باشد. از جمله روایتی بدین مضمون: «هرکس بر خانه همسایه خویش دسترسی داشته باشد و به آن نگاه کند و عورت مرد منزل و یا موی زنان یا قسمت دیگری از بدن زنان اهل منزل را نظاره نماید، بر خداست که وی را داخل جهنم در کنار منافقین نماید که در جستجوی نظاره بر بدن زنان دنیا بوده اند و از دنیا نمی رود مگر اینکه خداوند وی را در میان مردم ضایع کند و در روز قیامت نیز زشتی های او را بر مردمان آشکار نماید» (مامقانی، ۱۳۴۴ق، ص ۵۰۷؛ به نقل از شهباز قهقرخی، ۱۳۹۴، ص ۹۷). در روایتی دیگر از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «هرگاه فردی بر گروهی اشراف و اطلاع پیدا کند و یا از سوراخی آن ها را نظاره نماید، چنانچه او را سنگ بزنند و کشته شود و یا چشم وی درآید، ضمانتی متوجه ایشان نیست.» (کلینی، ابوجعفر، ۱۴۲۹ق، ص ۲۹۱؛ به نقل از شهباز قهقرخی، ۱۳۹۴، ص ۹۷).

بند سوم: نفی حرج

فقه های معاصر (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۳۶۹) در زمینه احکامی که زندگی را بر انسان سخت و

دشوار می‌کند و انسان را در تنگنا قرار می‌دهد، از قاعده‌ی «لا حَرَجَ» به عنوان «اصل حاکم» استفاده می‌شود. با این اصل، وجوب، حرمت، یا إباحه‌ای که منشأ مشقت می‌گردد، برداشته می‌شود؛ زیرا در احکام دینی «حَرَجَ» وجود ندارد. در مسئله حریم خصوصی چنین استدلال می‌شود که مجاز بودن افراد برای ورود به زندگی خصوصی یکدیگر، معیشت را برای همه سخت و دشوار می‌سازد. برخورداری از حق حریم خصوصی یک نیاز همیشگی بوده؛ هر چند در گذشته این نیاز بسیار محدودتر و بسیط بوده است و در زندگی نوین امروزی، به دلایل مختلفی احساس نیاز به آن افزایش یافته است.

بخش چهارم: تجسس در حریم خصوصی مردم از منظر امام خمینی (ره)

در دیدگاه امام خمینی (ره) دو بُعد سلبی و ایجابی آزادی انسان در حوزه عمل و گنش مورد توجه قرار گرفته است که اولی بیان‌کننده‌ی حوزه‌ی عدم مداخله دیگران است که هیچ فردی حق ندارد انسان یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند (جمشیدی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۴۴). حوزه بهره‌مندی از آزادی به دو حریم عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود که امام خمینی آزادی در هر دو این حوزه‌ها را مدّ نظر داشته است. ایشان بر این عقیده است که حکومت اسلامی دو وظیفه مهم دارد که باید آن‌ها را در ارتباط با یکدیگر تحقق بخشید: یک، حفاظت از آزادی‌های مردم، دو؛ اجرای احکام و حدود الهی این دو اصل حدود آزادی را نیز تعیین می‌کند (جمشیدی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۶۱). امام خمینی (س) معتقدند پس از انقلاب اسلامی از تحولات ذاتی مردم ایران اعتقاد به این امر است که مردم دارای حق هستند و حکومت وظیفه دارد این حق را رعایت کند و حرمت آن را نگه دارد. بر همین اساس از مهم‌ترین توصیه‌های امام در دیدارهای مکرری که با مردم و مسئولان داشته‌اند توجه به حقوق مردم و عدم تجاوز به آن و جلوگیری از وارد شدن ظلم به افراد جامعه است. ایشان در دیداری که با مسئولان وزارت کشور و استانداران در سال ۱۳۶۱ داشتند می‌فرمایند: «نباید با مردم طوری کرد که مردم در خانه‌هایشان مطمئن نباشند، در زندگی شان، در تجارتشان در کسبشان مطمئن نباشند. دولت اسلامی باید مردم را مطمئن کند در همه چیز. در سرمایه‌هایشان در کسبشان، در کارخانه‌هایشان، در همه چیز، مردم در آرامش باشند و دولت ابداً نمی‌تواند که تأذی بکند و

اگر یک کسی تأذی کرد آن تأدیب خواهد شد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۶۱). امام خمینی حتی در روزهای اوج مبارزات انقلاب که خشونت‌ها نیز افزایش یافته بود نسبت به رعایت حقوق افراد نگران است و در ۱۹ دی ۱۳۵۷ اعلام می‌کنند: «ملت محترم ایران باید بداند که دیانت مقدس اسلام، جان و مال انسان‌ها را محترم شمرده و تجاوز به آن را از محرّمات عظیمه می‌داند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ش، ص ۴۰۲). امام خمینی (س) همچنین نسبت به سوءاستفاده از اختیارات و قدرتی که در اختیار گروه‌هایی از جامعه برای تأمین امنیت نهاده شده هشدار می‌دهد: «خوف آن است که اسلحه در دست شما جوانان عزیز موجب غرور و سرکشی شود... و با سوء رفتار با برادران خود صدق و صفا رخت برنندد و به جای آن کدورت و جفا جایگزین شود و آن روز فاجعه‌ای است برای اسلام و مصیبت دردناکی است برای شما و یاران‌تان» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ش، ج ۱۷، ص ۳۹۳). امام خمینی نسبت به کارهایی که در شرایط ملت‌هت و متغییر سال‌های آغازین انقلاب به دست گروه‌های انقلابی و کمیته‌ها صورت می‌گرفت نگرانی عمیقی داشتند و در مناسبت‌های مختلف در سخنرانی‌هایی که داشتند نسبت به قانون‌شکنی و برخی کژکارکردهای اعضای این گروه‌ها هشدار می‌دادند، من‌الجملة در دیداری که با اعضای کمیته‌های انقلاب تهران در سال ۵۸ داشتند می‌فرمایند: «پاسداری در این مرحله این است که از عدالت پاسداری کنید؛ از حکومت عدل پاسداری کنید. اگر خدای نخواستہ فرض کنید یک نفر جوان مسماى به پاسدار به رفیقش، به منزل یک کسی، به خانه یک کسی... تعدی بکند، آن از پاسداری خودش همین طوری مخلوع است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ش: ج ۸، ص ۳۱۹). امام خمینی به شدت نسبت به نحوه رفتار با مردم حساس بودند، ایشان می‌فرمایند: «احدی حق ندارد با مردم رفتار غیر اسلامی داشته باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ش، ج ۱۷، ص ۱۴۰)، و در جایی دیگر نسبت به نفی فشار بر مردم تأکید دارند؛ ایشان در توصیه‌ای به مسئولان می‌فرماید: «آن روزی که شما احساس کردید که می‌خواهید فشار به مردم بیاورید بدانید که دیکتاتور دارید می‌شوید» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ش، ج ۱۸، ص ۷۹).

بند اول: حریم خصوصی و فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره)

در این بخش به تبیین نقش حریم خصوصی مردم در نظریه امام خمینی (ره) با توجه به فرمان

هشت ماده‌ای ایشان پرداخته خواهد شد.

۱. تحلیل فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره)

فرمان تاریخی امام خمینی در ۱۳۶۱/۹/۲۴ خطاب به مسئولان اجرایی و قضایی کشور درباره لزوم حفظ حریم خصوصی افراد، در شرایطی صادر گردید که عده‌ای به نام دین و اسلام به محل کار و منازل مردم هجوم برده و آن‌ها را مورد هتک و توهین و آزار قرار می‌دادند که امام به شدت با آن‌ها مخالفت کردند. از دیدگاه ایشان، این‌گونه برخورد با افراد، خارج از ضوابط شرعی است و موجب فساد می‌شود و همان‌طور که در فرمان هشت ماده‌ای اعلام می‌کنند، علاوه بر اینکه افراد را از توسل به چنین اقدامی به هرانگیزه‌ای باز می‌دارند دولت را هم موظف به جلوگیری از این اقدام‌ها و مجازات متخلفین می‌کنند. به بیانی روشن، حضرت امام با صدور فرمان هشت ماده‌ای اولاً: افراد را از توسل به اقدامات خودسرانه باز می‌دارد و ثانیاً؛ دولت و قوه قضائیه را مسئول جلوگیری از این گونه کارها می‌دانند. مبنای مخالفت ایشان با اقداماتی از این دست، آن است که ایشان آن‌ها را از مصادیق ظلم می‌دانند و از آنجا که از دیدگاه ایشان، بزرگ‌ترین هدف اسلامی و انقلاب اسلامی، برقراری عدالت است به شدت با آن‌ها مخالفت و تأکید می‌کنند که حتی به نام دین هم اقدام‌ها قابل توجیه نیست (رنجبر، ۱۳۸۲: ۱۷۳). محتوای این فرمان هشت ماده‌ای را می‌توان به پنج حوزه تقسیم کرد:

الف- تأکید بر تهیه قوانین شرعی، تصویب و ابلاغ آن‌ها (بند ۱)؛

ب- بررسی صلاحیت قضات، دادستان‌ها، کارمندان و متصدیان امور به عنوان کارگزاران نظام اسلامی با تأکید بر این که «میزان حال فعلی اشخاص است» (بند ۲)؛

ج- تأکید بر استقلال و قاطعیت قضات واجد شرایط اسلامی در قضاوت و داوری به گونه‌ای که «ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار، احساس ناآرامش قضایی نمایند و احساس کنند که در سایه‌ی احکام عدل اسلامی، جان و مال و حیثیت آنان در امان است» (بند ۳)؛

د- تعیین حوزه‌ی دخالت کارگزاران و دولت اسلامی در زندگی خصوصی افراد (بندهای ۴ تا ۷)؛

ه- تعیین رئیس دیوان عالی کشور و نخست‌وزیر جهت جلوگیری از تخلفات و تشکیل

ستادهای استانی در این راستا (بند ۸).

بنابراین، مهم ترین نکاتی که در فرمان مذکور قابل جستجو و تشخیص است، به تفصیل عبارتند از:

- ۱- لزوم اسلامی نمودن احکام قضایی و تهیه قوانین شرعی و تصویب و ابلاغ سریع تر آن‌ها؛
- ۲- بررسی صلاحیت قضات، دادستان‌ها و دادگاه‌ها در حالی که اشخاص فاسد و مفسد تصفیه می‌شوند، اشخاصی مفید و مؤثر با اشکالات واهی کنار گذاشته نشوند؛
- ۳- تأکید بر استقلال و قاطعیت قضات واجد شرایط اسلامی در قضاوت و دادرسی و داوری؛
- ۴- احضار و توقیف افراد بدون حکم قاضی که براساس موازین شرعی است جایز نمی‌باشد و تخلف از آن موجب تعزیر است؛
- ۵- تصرف در اموال منقول و غیرمنقول بدون حکم شرعی که براساس موازین صادر گردیده، جایز نیست؛
- ۶- ورود به مغازه‌ها و محل کار و منازل افراد بدون اذن صاحب‌خانه برای جلب یا به نام کشف جرم و ارتکاب گناه، ممنوع است،
- ۷- شنود تلفن، گوش دادن به نوار ضبط صوت دیگران به نام کشف جرم، جایز نیست؛
- ۸- تجسس از گناهان غیر و دنبال اسرار مردم بودن جایز نمی‌باشد؛
- ۹- فاش ساختن اسرار مردم جرم و گناه است؛
- ۱۰- تجسس در صورتی جایز است که برای کشف توطئه‌ها و مقابله با گروه‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی که قصد براندازی نظام و ترور شخصیت‌ها را دارند و تنها به شرط مطمئن بودن جایز است؛
- ۱۱- در صورتی جواز تجسس باید ضوابط شرعی رعایت گردد و با دستور دادستان باشد؛ چرا که تعدی از حدود شرعی نسبت به آنان نیز ناروا است؛
- ۱۲- اگر مأموران قضایی از روی خطا و اشتباه وارد منزل شخصی یا محل کار خصوصی شدند و با آلات لهو و قمار و فحشا و مواد مخدر برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان نماید و از ضوابط شرعی تعدی کند

و حقّ جلب آنان را نیز نداشته و تنها باید نهی از منکر کند؛

۱۳- کسانی که شغل آنان گردآوری و توزیع مواد مخدر است، مصداق مفسد فی الأرض قرار

می گیرند و علاوه بر ضبط مواد مخدر باید آنان در مقامات قضایی معرفی کرد؛

۱۴- قضات حقّ ندارند حکمی صادر کنند که مأموران اجازه ورود به منازل یا محل کار افراد

را داشته باشند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه علیه نظام؛

۱۵- مسئولین قضایی و اجرایی موظف به جلوگیری از امور ذکر شده هستند؛

۱۶- قابل قبول و قابل تحمّل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن به کسی ظلم شود و

کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق اسلامی از اشخاص صادر شود؛

۱۷- مردم باید احساس آرامش و امنیت کنند و قوه قضائیه و دولت را پشتیبان خود بدانند.

از سوی دیگر، با دقت در فرمان مذکور می توان به چهار بند به طور اخصّ اشاره کرد که میزان

دخالت دولت در زندگی خصوصی مردم را به روشنی تبیین می کند:

الف- احضار و توقیف افراد بدون حکم قاضی که براساس موازین شرعی است، جایز نمی باشد

و تخلف از آن موجب تعزیر است؛

ب- تصرف در اموال منقول و غیرمنقول بدون حکم حاکم شرعی که براساس موازین صادر

گردیده جایز نیست؛

ج- ورود به مغازه ها و محل کار و منازل افراد بدون اذن صاحب خانه برای جلب یا به نام

کشف جرم و ارتکاب گناه، ممنوع است؛

د- شنود تلفن، گوش دادن به نوار ضبط صوت دیگران به نام کشف جرم جایز نیست.

البته به ابهامی که حکایت از تعارض لزوم رعایت حریم خصوصی و لزوم جلوگیری از توطئه ها

و دسیسه ها دارد، براساس رویکرد موجود در متن فرمان هشت ماده ای می توان این گونه پاسخ

داد که؛

اولاً؛ حضرت امام برای دخالت و تجسس - همان گونه که قبلاً بدان اشاره کردیم - در

حریم خصوصی افراد قائل به شروطی بوده اند که عبارتند از:

۱- مردم تنها در صورت اطمینان از وجود توطئه یا مفسده ای گزارش دهند (موسوی خمینی،

۱۳۸۴ش، ج ۱۷، ص ۲۶۷؛

۲- مسئولان امنیتی تنها با حکم قضایی اقدام کنند (موسوی خمینی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۴۱).

۳- قضات حق صدور حکم قضایی تجسس برای حریم هایی که محلّ توطئه علیه نظام نیست را ندارند (موسوی خمینی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۴۱).

ثانیاً؛ امام در همه سخنرانی هایی که در آن از لزوم گزارش و تجسس به خاطر مصلحت نظام سخن به میان آورده اند، خطاب به مردم از چنین عباراتی نظیر: «اطلاع بدهید» (موسوی خمینی، ۱۳۸۴ش، ج ۱۵، ص ۱۱۶)، «بلافاصله به مقامات مسئول گزارش بدهند... مطلب را با مسئولین در میان بگذارند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۴ش، ج ۱۷، صص ۱-۲) و «گزارش بدهید» (موسوی خمینی، ۱۳۸۴ش، ج ۱۷، ص ۱۵۶)، استفاده کرده اند که حکایت از آن دارد که ایشان در سخنرانی هایشان همیشه بر اعلام گزارش و خبر توسط مردم عادی و غیرمسئول تأکید داشته اند و معتقدند بودند که فقط مسئولان حق دخالت و اقدام عملی را دارند. ثالثاً؛ امام آن هنگام که از حریم خصوصی مردم و لزوم حفظ آن سخن گفته اند، آن را به صورت فرمان صادر کرده اند و گروهی از مسئولین قضایی و اجرایی را مکلف به اجرای آن کرده اند، اما آن هنگام که از لزوم گزارش دهی عموم مردم و گزارش کردن رفت و آمدهای مشکوک سخن گفته اند؛ آن را صرفاً در یک سخنرانی و به صورت شفاهی بیان کرده اند و هیچ فرمان و نامه ای کتبی برای عملی شدن این امر صادر ننموده اند، همین تفاوت در نوع اعلام این دو موضوع، نشان از تفاوت آشکار اهمیت این دو موضوع نزد ایشان دارد؛ بنابراین با در نظر گرفتن این سه نکته می توان دریافت که چگونه امام هم از لزوم رعایت حریم خصوصی و هم از لزوم جلوگیری از توطئه علیه نظام در حریم های خصوصی سخن گفته اند. از دیگر سو نباید از نظر دور داشت که حضرت امام (ره) تنها به صدور فرمان مذکور پرداختند؛ بلکه پس از صدور آن به طور جدّ پیگیر اجرایی شدن آن برآمدند و در تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۴ هیأتی شش نفره را جهت پیگیری فرمان مورد بحث تشکیل می دهند و حتی در سخنرانی هایشان به لزوم اجرای آن تأکید می نمایند: «همان طور که من عرض کردم به آقایان، رفتن و جاسوسی کردن و تجسس کردن... این کارها نباید بشود. از آن رو هم.. اگر متجاهر شد به یک فسقی، متجاهر شد به اینکه یک

چیزی که خلاف شرع است، مأمورند همه مردم برای اینکه، نهی از منکر کنند... ما نگفتیم که احکام اسلام که جاری می‌شود، یک تکه‌اش جاری بشود. همین جاری بشود که جاسوسی نشود و نمی‌دائم - تفتیش نشود؟... نباید ما تعدی بکنیم و ظلم بکنیم و تفتیش از داخل خانه‌های مردم بکنیم... از آن‌ور هم اگر سوء استفاده بخواهند بکنند... اگر کسی فسق بکند در خارج، متجاهر بشود، هر نحو فسقی باشد، به شدت باید دولت با او عمل کند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۴ش، ج ۱۷، صص ۱۶۲-۱۶۱). هم‌چنین، ایشان در دیداری که اعضای ستاد پیگیری فرمان هشت ماده‌ای با وی داشته‌اند، می‌فرمایند: «من باید به آقایان عرض کنم که شما در این کاری که دارید انجام می‌دهید که رسیدگی به امر متخلفین است. یک امری است که الزام شرعی الان دارد و باکمال جدیت و قاطعیت این باید عمل بشود.. از حالا به بعد اصلاً سکوت معنا ندارد... ما باید این بار ظلم را که الان در سرتاسر کشور گاهی می‌شود به اشخاص، این بار را دیگر باید سبک کنیم و از بین ببریم» (موسوی خمینی، ۱۳۸۴ش، صص ۱۹۶-۱۹۵).

در بند هفتم فرمان مورد بحث - که قبلاً بدان اشاره شد - حضرت امام (ره) با به کار بردن عبارت «مؤکداً تذکر داده می‌شود» میزان حساسیت و تأکید خود را بر لزوم حفظ حریم خصوصی افراد چنین بیان می‌کنند: «مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آنجا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند؛ چرا که اشاعه‌ی فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمانان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه‌ی نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد... هم‌چنین هیچ یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل‌های کار افراد وارد شوند که نه خانه‌ی امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که صادر کننده و اجرا کننده‌ی

چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۴ش، صص ۱۴۲-۱۴۱). به جز این ها در مقاطع دیگر نیز با موضع گیری های قاطع، حساسیت خود را در رعایت حریم شهروندان بیان می دارند. در بخشی از پیامی که در تاریخ ۱۳۶۳/۳/۷ به مناسبت گشایش دومین دوره ی مجلس شورای اسلامی صادر شده، این مسئله را چنین مورد خطاب قرار می دهند: «این نکته نیز قابل ذکر است که اگر در مجلسی به کسی که حاضر نیست و راه به مجلس ندارد که از خود دفاع کند، حمله ای شد، به او اجازه داده شود یا در مجلس از خود دفاع کند و اگر قانوناً اشکالی در این عمل می بیند، رادیو و تلویزیون و مطبوعات این وظیفه سنگین را به دوش کشند تا حقّ مظلومی ضایع نشود و شخصیتی بی دلیل خُرد نگردد و راهگشای این امر، خود نمایندگان و رئیس محترم مجلس هستند که با تعهدی که دارند و مسئولیتی که بر دوش آنهاست، این حقّ را به اشخاص غایب بدهند تا به وسیله مجلس که نگهدار مصالح کشور و ملت است، حقّی ضایع نشود و انسانی مظلوم نگردد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۵۱). بالاخره اینکه سیره ی نظری و عملی امام خمینی نسبت به قانون و قانون گرایی، چه در دوران مبارزات و چه پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی بر محور حفظ فضیلت، عزت و کرامت انسانی و عدم تجاوز حکومت و عوامل آن بر حریم خصوصی آحاد مردم بود. در واقع، ایشان تحت تأثیر نظام فقهی و اخلاقی اسلام، مواضعی دارند که به زبان علوم اجتماعی امروز، می کوشد تا مجرم و متخلف را در سطح انحرافات نخستین نگاه دارد و به این ترتیب مانع از اشاعه ی جرم و زایل شدن قباحات اعمال خلاف در جامعه می گردد. همچنان که قبلاً اشاره شد، امام (ره) مؤکد از عوامل و متصدیان دستگاه انتظامی و قضایی می خواهد تا اولاً از طریق تجسس های افراطی، تخلف های پنهان افراد خاطی را تا آن جا که به امنیت کلی جامعه آسیب نمی زند، ردیابی نکنند. ثانیاً ایشان از این عوامل و دست اندرکاران و همه ی مردم می خواهد به فرض کشف جرم یا مواجهه با مواردی از فساد اخلاقی، از افشای عمومی آن خودداری نمایند و صرفاً از طریق مراجع ذی ربط و با رعایت حرمت افراد جامعه اقدام نمایند. با وجود این، احکام قضایی اسلام و به تبع آن رویکرد عملی حضرت امام (ره) پس از اعمال همه راهکارهایی که برای ابقای انحراف در مرحله نخستین آن به عمل می آورد، در مواجهه با

منحرفین و تبهکارانی که از این سطح فراتر رفته و بخواهند امنیت و نظم اجتماعی و فرهنگی جامعه را مختل کنند، برخوردی اصولی و قاطعانه دارد. از همین موضع است که ایشان جانب‌داری ساده‌لوحانه‌ی بعضی افراد از جنایت‌کاران رژیم پیشین و تلاش برای تضعیف روند اقدامات دادگاه‌های انقلاب را نفی نموده در مقاطعی ویژه از اعمال مجازات سنگین علیه عناصر و جریان‌هایی که به محاربه و مبارزه‌ی مسلحانه علیه نظام مبادرت ورزیدند، تردید به خود راه نمی‌دهد (فقیه، ۱۳۸۹، صص ۱۲۸-۱۲۷). بنابراین، مبنای مخالفت حضرت امام در خصوص اقدامات خودسرانه برخی افراد در اوایل انقلاب در ورود به محل کار و منازل آن‌ها به نام دین و اسلام، این بوده که ایشان اقدامات چنین افرادی را از مصادیق ظلم می‌دانستند و از آنجا که طبق اندیشه‌ی وی، بزرگ‌ترین هدف اسلام و انقلاب اسلامی، برقراری و تأمین عدالت است به شدت با آن‌ها به مخالفت برخاسته و با صدور فرمان هشت ماده‌ای و مطالبه تأکید اجرایی شدن مفاد آن از سوی مقامات قضایی و مسئولین و اعضای ستاد فرمان مزبور، بر این نکته اساسی تأکید می‌نمایند که حتی به نام دین هم این اقدام‌ها قابل توجیه و تأیید نیست.

بخش پنجم: تجسس در حریم خصوصی مردم از فقهای معاصر

در بین فقهای معاصر بحث حریم خصوصی تحت این عنوان مطرح نگردیده ولی مقولات و مسائل آن با مبانی متعدد و محکم در مورد حمایت قرار گرفته است. در منابع فقهی و حقوقی اسلام مطرح بوده است، آیات متعدد قرآن و سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه (علیهم‌السلام) دلالت بر ضرورت و وجوب رعایت حریم شخصی دیگران و حرمت نقض آن و در نتیجه ضمانت اجرای دنیوی و اخروی آن دارد. احکام مرتبط با حریم خصوصی نیز از اصول و قواعد و احکام مختلف اسلام قابل استنباط است. از جمله: ممنوعیت تجسس، ورود به منازل بدون استیذان، استراق بصر، استراق سمع، سوءظن، نیمه و غیبت، سب و هجو و قذف، اشاعه فحشا و هتک ستر، خیانت در امانت و نظائر آن که به نوعی بر حقوق و آزادی‌های فردی و حق حریم خصوصی دلالت می‌نمایند. همان‌طور که اشاره گردید این موارد مستقیماً تحت عنوان و یا به منظور حمایت از حریم خصوصی وضع و مطرح نشده‌اند، ولی مفهوم و مقررات مربوط به حریم خصوصی از آن استنباط می‌گردد.

بند اول: مقتضای اصل در ورود به حریم خصوصی

ورود به حریم خصوصی دیگران از نظر اقتضای "اصل" نیز قابل بررسی است. اصل در مسائل فقهی و حقوقی به ما کمک می کند که به عنوان یک "مبنا" مباحث را بر اساس آن پیش ببریم و تا وقتی که دلیل قانع کننده ای در مخالفت با آن وجود ندارد، از "اصل" صرف نظر نکنیم. مثلاً چون درباره همه اشیاء اصل بر طهارت و پاکی است، از این رو اثبات نجاست هرچیز نیازمند دلیل است و اگر هم شک داشته باشیم، به استناد اصل، حکم طهارت می کنیم هم چنین اصل بر برائت است، از این رو اثبات هر "تکلیف" و یا "اتهام" نیازمند دلیل معتبر است و در موارد مشکوک، به اقتضای برائت، تکلیف یا اتهام نفی می شود. در زمینه ی دخالت در زندگی دیگران نیز با "تأسیس اصل" بحث علمی را باید آغاز کرد. در اتمام اسلام و خصوصاً فقه امامیه در هدایت انسان ها و حمایت گسترده از خلیفه الهی بودن انسان و مبانی حمایت از حریم عمومی و خصوصی انسان ها موارد ذیل را می توان برشمرد: اصل عدم ولایت بر دیگری، اصل ظلم بودن نقض حریم اشخاص، اصل پاسداشت کرامت انسانی، اصل احترام به حریم و حرمت مؤمن، اصل حرمت اذیت و آزار دیگران خصوصاً مؤمنین، اصل امانت و راز داری، اصل منع اشاعه فحشاء، اصل سلطه بر خویش و اصل ورود به حق الله که در این جا به سه اصل اشاره می گردد.

- بند اول: اصل عدم ولایت
- بند دوم: اصاله الاحتیاط
- بند سوم: اصل کرامت انسانی

بند دوم: حیثیت انسانی

در احکام اسلامی علاوه بر آن که جان و مال انسان ها از حرمت برخوردار است شخصیت آن ها نیز از "کرامت" و احترام برخوردار است. از این رو هر گونه بی حرمتی به شخصیت انسان ها ممنوع بوده و شرعاً حرام است. فقها، بسیاری از احکام شرعی را در جهت حفظ شخصیت دانسته اند که از آن به "عرض" تعبیر می کنند؛ مثلاً حضرت امام خمینی (ره) حرمت غیبت و بدگویی در غیاب افراد را دستوری برای حفظ عرض مؤمن می داند (موسوی خمینی،

بی‌تا، ص ۴۴۴). معمولاً فقها در این باره به سخن رسول خدا(ص) استناد می‌کنند که فرمود: «جان، مال و عرض شما مسلمانان بر هم‌دیگر حرام است» (طوسی، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۱۷۹). از نظر آنان که «هتک عرض» اختصاص به جنبه خاصی از شخصیت و حیثیت انسان ندارد و به این دلیل «هرگونه» هتک حرمت حرام است (غزالی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۷). یکی از فتاوی‌ایی که بر اساس این مبنا صادر شده است حرمت هجو کردن مؤمن است که به حرمت هتک حرمت او مستند شده است. فتوای دیگر، حرمت گدایی است که اگر به حیثیت شخص لطمه وارد کند، چنین کاری برای خود او حرام است. درباره اهمیت حفظ آبروی مؤمن دو نکته مهم و اساسی در فقه مطرح شده است که با توجه به آن اهمیت این حوزه در مقایسه با احکام دیگر آشکار می‌شود؛ نخست آن که هتک حرمت از جمله محرمات مؤکدی است که از سوی هر کس و در هر شرایطی، قابل قبول نیست و باید جلوی آن را گرفت این حکم از جمله احکامی نیست که فقط از مکلفان عاقل و بالغ انتظار رعایت آن وجود داشته باشد، بلکه مانند قتل نفس است که حتی اگر کودک یا دیوانه هم به آن مبادرت کند باید از آن ممانعت نمود. این دیدگاه در سخنان برخی فقها از جمله محقق یزدی، محقق عراقی و امام خمینی دیده می‌شود (ربیع‌الشیخ، ۱۴۲۷ق، ص ۶۴۶). کلینی در این باره می‌گوید حتی خود شخص هم حق ندارد که به شخصیت خود لطمه وارد کرده و یا با بازگو کردن برخی مطالب به آبرو و حیثیت خود ضربه بزند از این رو کودکان غیر مکلف را باید از بازگو کردن این گونه مطالب درباره دیگران ممانعت کرد (کلینی ابوجعفر، ۱۴۲۹ق، ص ۵۲).

بند سوم: امکان سنجی وجود حریم خصوصی از منظر فقهای معاصر

۱. نفی دلالت التزامی بین حقوق مذکور و تکالیف مدعایی

سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا حریم خصوصی و لزوم حفظ آن توسط غیر، حق صاحب حریم است که قابل چشم‌پوشی است یا تکلیف غیر است که ولو با چشم‌پوشی صاحب حریم نمی‌توان آن را مدنظر قرار نداد، مانند حق غیبت که با اجازه مغیب‌عنه جواز غیبت برای شخص مغیب صادر نمی‌شود. بر این اساس باید دید مبتنی بر دلالت معنایی حق و حکم، ادعای اصل حریم خصوصی و استنباط آن از احکام مذکور جزء حقوق مکلفین است

یا تکالیف آنها و آیا با اثبات یکی از طرفین می توان طرف دیگر را اثبات نمود یا خیر؟ حق در ادبیات فقهی دلالت معنایی متفاوتی نسبت به دیگر قرائتهای دینی دارد. برخی از فقها حق را به معنای سلطنت قلمداد نموده اند و سلطنت را نیز به قید اعتباری از سلطنت تکلیفی منفک نموده اند. در این تعریف از حق در فقه، سلطنت منحصر به جواز فسخ و امضا یا جواز ملکیت مشتری در حق شفعه و مانند آن نمی شود (راغب اصفهانی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۰). تعریف شیخ انصاری از حق: «حق عبارت است از نحوه ای از سلطه و توانایی که در پرتو آن صاحب حق میتواند مصلحتی را برای خود به دست آورد» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۱۳۱). سلطه ای که برای شخص بر شخص دیگر یا مال یا شیء، جعل و اعتبار می شود، به عبارت دیگر حق توانایی خاصی است که برای کس یا کسانی نسبت به چیز یا کسی اعتبار شده و به مقتضای آن توانایی میتواند در آن چیز یا کس تصرفی نموده یا بهره ای برگیرد. قاعده تسلیط در فقه را میتوان منبعث از این رویکرد دانست که به فرد اجازه میدهد در آنچه که ذی حق نسبت به آن محسوب میشود دخل و تصرف نماید. در تعریف حکم آورده اند که: قابلیت اسقاط آن از ناحیه شخص وجود ندارد. همچنین امکان نقل و انتقال آن به اسباب انتقال قهری و ارادی تعهد علیه آن وجود ندارد. بر این اساس ماهیت حق لزوماً سلطنت است؛ لیکن مورد اختلاف است که متعلق آن عین است یا فعل. کما اینکه برخی تصریح بر این دارند که متعلق حق افعال است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۸).

۲.۱.۲. ادله حاکم و نفی کننده دلائل مثبتة حریم خصوصی

در ادبیات فقهی می توان به ادله ای اشاره کرد که نافی و یا حاکم بر ادله مثبت حقوق در عدم تجسس، عدم تصرف در مالالغیر و... می باشند. این ادله یا استقلالاً بر ادله دیگر حاکم می باشند و یا می توان به عنوان احکام ثانوی و حکومتی آنها را مقدم بر احکام اولیه دانست:

الف. مالکیت مشاع در حیات اجتماعی: یکی از حقوق تکوینی انسان عبارت است از حقوق طبیعی که امر ثابت و دایمی و لازمه طبیعت انسان است. عمومیت زمانی و اطلاق دلالتی از اصول و ویژگیهای این حق طبیعی ذکر شده است. برخی معتقدند «مقتضای زیست طبیعی انسان انتخاب محل بیمانعی برای زندگی بوده و چون انتخاب مکان مزبور از هر جهت طبیعی

بوده و از سوی دیگر مسبق به انتخاب شخص دیگر نبوده است مکان انتخاب شده مزبور تعلق و اختصاص طبیعی به وی پیدا خواهد کرد» (شریحی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۱۴). این اختصاص همان مالکیت طبیعی اختصاصی است زیرا از نیاز طبیعی انسان به مکان و محیط زیست برخاسته است. و قاعده فقهی «هرکس به مکانی سبقت در تصرف جوید او به آن مکان اولویت در اختصاص خواهد داشت» (شریحی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۱۵)، یک قاعده کاملاً طبیعی است. باید توجه داشت در حقوق طبیعی نفس حق مجعول طبیعت نیست، بلکه مورد حق مجعول طبیعت به جعل غایی است و این جهت اشتراک حق و مالکیت است. پس از اینکه انسان به گستره زیستبوم بشری خود افزود با تعداد بیشتری از هموعان به زندگی اجتماعی ادامه داد. میان استفاده از مکان و امکانات اجتماعی که مالکیت مشاع بر آنها وجود دارد تراحم منافع پیش آمده و مالکیت مشاع به همین معنای نفوذ و اشاعه مالکیت‌های شخصی در یکدیگر است و با مالکیت جمعی که یک پدیده وضعی و قانونی است تفاوت دارد. لذا در عین حفظ مالکیت خصوصی افراد میتوان گفت بخش اعظمی از فعالیت‌های اجتماعی انسان‌ها تحت الشعاع حقوق اجتماعی افراد دیگر است که به سبب مالکیت مشاع مذکور پدید می‌آید. بر این اساس باید به سمت جعل احکام اجتماعی رفت که بر احکام موجود حکومت خواهند داشت. در مورد موضوع مورد بحث که اثبات حریم خصوصی توسط برخی ادله می‌باشد. می‌توان ضمن تضعیف ادله‌ای مانند حرمت تجسس، حرمت استراق سمع و... در اثبات اصل حریم خصوصی، بیان داشت مالکیت مشاع اجتماعی نه تنها مانع از اثبات اصل کلی حریم خصوصی است، بلکه ادله جزئی مانند حرمت تجسس و... را نیز مورد خدشه از فعلیت و تنجیز ساقط نموده و یا بر آنها حاکم شود. حق مالیات و مشارکت. یکی دیگر از وجوهی که میتوان برای ایجاد حق جمعی برای مردم و نفی برخی حقوق خصوصی معارض بیان نمود، حق «شرکت»ی است که مردم به جهت پرداخت مالیات‌های عمومی در اداره حاکمیت و اقتضانات آن مانند تعرض و هتک برخی حقوق فردی در جهت تأمین حقوق عمومی مانند امنیت و... آیت‌الله محمد حسین نائینی در کتاب «تنبيه الامم» نیز به این نکته اشاره داشته است: «عموم ملت از این جهت و هم از جهت مالیاتی که از برای اقامه مصالح لازمه می‌دهند، حق مراقبت و نظارت دارند» (نائینی،

۱۳۷۳ق، ج ۱، ص ۱۴۱؛ به نقل از عوده، ۱۴۲۶ق، ص ۴۱۴). ظاهراً مرحوم نائینی در اینجا نظر به نوعی عقد "شرکت" دارد. باید دقت داشت فقها نخواسته‌اند با ارائه چنین اصلی، حکم قطعی عقل و نقل را درباره ضرورت ولایت نادیده گیرند، بلکه آنان، پس از اذعان به این مبنا (اصل اولی) و در حالیکه در صدد تعیین گستره ولایت به لحاظ شخص ولیّ و به لحاظ اختیارات او بوده‌اند، به تأسیس اصل عدم ولایت پرداخته و "صاحبان ولایت" و "قلمرو سلطه" آنان را به حداقل کاهش داده و در موارد مشکوک، با استناد به اصل عدم، ولایت را منتفی تلقی کرده‌اند (اصل ثانوی)؛ از اینرو می‌توان بهدرستی حدس زد که اصل عدم ولایت، نقطه شروع و بنیای نخست آنان در باب ولایت نیست، و نباید این اصل را به معنای بی‌اعتنایی به اهمّیت و ضرورت امور عامه و تدبیر جامعه پنداشت؛ البته نمی‌توان انکار کرد که چنین موضوعی با توجه به اهمیت فوق العاده‌اش، مورد اهتمام شایسته و بایسته قرار نداشته است و کسانی که به خوبی آن را در جایگاه خود مورد بررسی قرار داده، بحث خود را از همین نقطه شروع کرده باشند، مانند امام خمینی، اندک بوده‌اند. علامه طباطبائی نیز از جمله همان معدود کسانی است که در باب ولایت، به جای اثبات "اصل عدم ولایت"، از اثبات "اصل ولایت" به عنوان اصلی که در عقل و فطرت ریشه دارد، شروع کرده است. مبتنی بر این دیدگاه اگر اصل اولی بر ولایت باشد در مواردی که شک در مورد حق داشتن یا نداشتن مولی علیه به وجود می‌آید، نمی‌وان اصل ولایت مولی را ثابت استصحاب نمود. لذا اگر در مورد اثبات حریم خصوصی توسط ادله مذکور شک ایجاد شود با استصحاب و اثبات اصل ولایت بر مولی علیه نه تنها اثبات حریم خصوصی رد می‌شود، بلکه ادله ثابت شده دیگر مانند حرمت تجسس، استراق سمع و... نیز در موارد مورد نیاز ملغی و یا ادله دیگر بر آنها حاکم می‌شود. صاحب المکاسب در کتاب خود روایتی را نقل می‌کند که در آن محدود کردن حقوق فردی شخصی به نام "حکیم بن حزام" آمده است:

«محمد القاسانی عن علی بن أباطٍ عن عبدالله بن القاسم الجعفری عن بعض أهل بیته قال: إن رسول الله صلّم یاذن لحکیم بن حزام فی تجارته - حتی ضمن له إقالة النادم و إنظار المُعسر - و أخذ الحق وافیاً أو غیر وافی» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۱۴۹). عدم اجازه به تجارت جز در این

شرایط نه تنها عمومیت نداشته، بلکه در نگاه اول برای شخص نیز نوعی محدودیت و در ادبیات حقوق معاصر نوعی تصرف در حریم خصوصی به حساب می‌آید؛ لیکن در نظام حقوقی اسلام به جهت اصالت ولایت و تقدم آن بر نفوس و جان مسلمین (النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم) دیگر نمیتوانی اصلی تحت عنوان حریم خصوصی جعل کرد. چرا که اگر مدعیان وجود اصل حریم خصوصی این موارد را به مثابه استثنائات این اصل بدانند باید آن را نه به عنوان استثنائات جزئی و معدود، بلکه تخصیص اکثر محسوب نمایند که قبح آن لایحقی است (غزالی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۴۱).

ب. احتکار: بسیاری از احکام فقهی امامیه پیرامون احتکار و اجبار محتکر به فروش اموال خود که تصرف در مال الغیر را به همراه دارد نیز مصداق اختلال در نظام حقوق مالکیت فردی است؛ لیکن در برخی موارد و شرایط خاص به حکم حاکم شرع می‌تواند انجام پذیرد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۴۱).

پ. حمی: حمی به معنای چراگاهی است که حاکمان به حیوانات خود اختصاص میدهند و دیگران را از چرای در آن منع می‌کنند. در منابع روایی ما به‌طور متعدد به این موضوع اشاره شده است و بیان می‌دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز این عمل را انجام می‌داده‌اند، و یا در موارد متعدد دیگر زمین‌هایی را به افراد یا برای امور ویژه‌ای قرار داده‌اند. محقق حلی پیرامون این روایات می‌نویسد: “و ما حماه النبي او الامام عليه السلام لمصلحة فزالت جاز نقضه و قيل ما يحميه النبي صلی الله علیه و آله خاصه لا يجوز نقضه لان حماه كالنص” (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۵۴۱).

ت. لزوم گماردن جاسوسانی جهت نظارت: از جمله مواردی که می‌توان جهت نفی اصل حریم خصوصی به آن استناد نمود، روایتی است که از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده و ایشان دستور به جعل جاسوس و خبرچینان در راستای تأمین اهداف حکومتی داشته‌اند. در این باب روایات امام رضا علیه‌السلام: “عبدالله بن جعفر في قرب الإسناد عن الريان بن الصلت قال سمعتُ الرضا ع يَقُولُ كان رسولُ الله ص إذا بعث جيشاً فاتهم أميراً بعث مع هُمن ثقاة من يتجسسُ لهُ خبرهُ” (کلینی ابوجعفر، ۱۴۲۹ق، صص ۲۵۱-۲۵۱).

ث. وجود عریف و نقیب در بین مردم: از دیگر مواردی که برای نفی اصل حریم خصوصی می‌تواند مورد استناد واقع شود، وجود مقامات عریف و نظیر در دستگاه حکومتی معصوم ع می‌باشد. عریف به کسی گفته می‌شود که امور مردم یا عده‌ای از آنها را به عهده بگیرد که سرپرستی آنها در امور گوناگون به عهده اوست، به نحوی که هرگونه تحرکی را که از جانب مردم سرزند یا هر اقدامی را که بخواهند انجام دهند، طی گزارشی به حاکم یا فرمانده وقت می‌رساند. در این مورد میتوان به روایاتی از جمله روایات ذیل اشاره نمود: «کان رسول‌الله... یتفقد اصحابه و یسال الناس عما فی الناس» (طوسی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۴۷). همچنین نصر بن مزاحم می‌گوید: «فلما هرب حنظلهُ أمر علی بداره فهدمت هدمها عریفهم بکر بن تمیم و شبت بن ربیع (سعدی، ۱۴۰۸ق، ص ۶۵۴)؛ یعنی در جنگ صفین پس از اینکه حنظله از جنگ می‌گریزد امیرالمومنین به دو نفر از عریفان خود بهنام بکر و شبت دستور می‌دهد که بروند و خانه‌اش را تخریب کنند».

نتیجه‌گیری

حریم خصوصی ناظر بر حفظ جان، مال، حیثیت و کرامت انسان‌ها است و اشخاص برای بهره‌برداری از حقوق شهروندی خویش نباید هیچ‌گونه هراس و اضطرابی داشته باشند و در عین حال، حکومت باید آنها را از تعرض حفاظت نماید. این پژوهش درصدد برآمد که به این سؤال پاسخ دهد که مؤلفه‌های تجسس در حریم خصوصی افراد در اندیشه امام خمینی (ره) و فقهای معاصر چه می‌باشند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که؛

- اولاً؛ امام خمینی (ره) به عنوان معمار کبیر انقلاب اسلامی، به ابعاد مختلف امنیت توجه داشتند و با مذاقه در اندیشه‌های امنیتی ایشان می‌توان به این مهم دست یافت که ایشان به امنیت اشخاص و شهروندان اعتقاد داشتند. نمونه بارز توجه امام خمینی (ره) به امنیت شخصی یا فردی، صدور فرمان هشت ماده‌ای به وسیله ایشان می‌باشد که برخی از مؤلفه‌های این فرمان مبنی بر؛ آرامش قضایی و درامان بودن جان و مال اشخاص، عدم تعرض به افراد، توقیف اشخاص با موازین شرعی و حکم قاضی، عدم ورود به منازل و محل کسب اشخاص، جایز نبودن تجسس در اسرار شخصی، عدم تعدی به افراد بدون داشتن حکم قانونی، استقلال

قضایی، ایجاد احساس آرامش برای مردم و غیره، نشان از اهمیت امنیت حوزه خصوصی افراد و امنیت شهروندان می باشد.

- ثانیاً؛ برخی از مؤلفه‌های حریم خصوصی از منظر امام(ره) دارای مؤلفه‌های متعددی می باشد که برخی از آنها عبارتند از: حق برخورداری از آزادی برای شهروندان در عرصه‌های قلم و مطبوعات، عقیده و اندیشه، منصب و شغل، احزاب و گروه‌های سیاسی، اقلیت‌های مذهبی و امور بانوان؛ پاسداشت حریم خصوصی و شخصی در حوزه‌های مکاتبات و ارتباطات، مسکن و حریم شخصی، محل کار، اموال و دارایی‌های شخصی؛ صیانت از شأن و کرامت انسانی شهروندان، جلوگیری از تخریب عرض، حیثیت و آبروی اشخاص در جامعه، ممنوعیت شکنجه و بد رفتاری با مجرمان و گناهکاران، امنیت قضایی و رعایت اعتدال در آن می باشد.

- ثالثاً؛ قاعدتاً مؤلفه‌های حریم خصوصی با تهدیداتی مواجه می باشد که با مذاقه در اندیشه‌های امام خمینی(ره) و فقهای معاصر می توان به آنها دست یافت. به هر روی، برخی از این تهدیدات عبارتند از؛ دخالت اجانب و تسلط آنها بر مقدرات مسلمین، خدشه دار کردن شرف یک مؤمن، انحراف در دستگاه قضایی کشور و دادگاه‌های انقلاب، برخورد نیروهای پاسدار با شهروندان جامعه بر اساس حفظ نفسانیه و برخلاف تعهد و سلامت اسلامی، از بین رفتن استقلال قضایی کشور، تفتیش عقاید، سلب آزادی قلم، بیان افکار و حتی حق حیات، غضب حقوق مسلمین و سلب آزادی، فساد بی حد و حصر نسبت به مردم، احزاب فرمایشی و انتخابات خائنانه، محیط خفقان و ارعاب، تجاوز به مراکز علم و دانش، سانسور مطبوعات، هتک آبرو و حیثیت اشخاص، اعمال غیرشرعی و غیرقانونی، ورود به خانه یا مغازه شخص بدون اجازه، دخل و تصرف در اموال منقول و غیرمنقول اشخاص بدون حکم حاکم، ورود به خانه و مغازه و یا محل کار شخصی بدون اذن صاحب آن، گوش دادن به تلفن و ضبط صوت دیگری، زورگویی‌ها علیه جان، مال و مسکن، و غیره.

- رابعاً؛ در بین احکام شریعت اسلام دو سنخ مهم از دستورات موازی را میتوان یافت نمود. نوع اول دستوراتی که امت اسلامی را از تجسس و دخالت در امور یکدیگر و تلاش برای دریافت اطلاعات شخصی دیگران نهی مینماید؛ لذا ابتدائاً و با توجه به نظام حقوقی معاصر

چنین تداعی میشود که دین مبین اسلام نیز درصدد ایجاد اصل حریم خصوصی و عدم جواز هتک و تجسس در آن برای حفظ حقوق عمومی و فردی افراد مییاشد. در حالیکه با تتبع در تمامی احکام دین و نظام معرفتی تشیع به خوبی واضح میشود که به هیچ عنوان نمیتوان چنین اصلی را از مجموعه دستورات دین استظهار و استنباط نمود، خاصه اینکه مدعیان وجود اصل حریم خصوصی در اسلام برآنند که این اصل توانایی جعل احکام ایجابی و وجودی را در نفی و رد هتک حریم خصوصی دارا مییاشد. این در حالی است که نه تنها چنین مدعایی مستند و مستمسک مبرز شرعی ندارد، بلکه ادله بسیاری که جهت تنظیم حیات جامعه مؤمنین وارد شده است، عمدتاً نافی مرزها و حدودی برای انسان به مثابه منطقه ممنوعه خصوصی است. بر این اساس حتی در صورت اثبات صوری و ضعیف چنین اصلی ادله متعدد مذکور موجب تخصیص اکثر افراد عام و خروج از تحت حکم و اصل میشود و این با فلسفه جعل اصل که دال بر عمومیت است منافات خواهد داشت.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

۱. انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی، دانشنامه حقوق خصوصی، جلد دوم، تهران، انتشارات محراب فکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. بهشتی، محمد، فرهنگ صبا، تهران، انتشارات صبا، بی تا.
۳. جمشیدی، محمدحسین، اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
۴. رنجبر، مقصود، حقوق و آزادی‌های فردی از دیدگاه امام خمینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۵. شهباز قهفرخی، سجاد، «حریم خصوصی معنوی افراد در فقه امامیه و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه اندیشه‌های حقوق عمومی، شماره‌ی دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش.
۶. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.
۷. غلامعلی پور، معین، «اهمیت حریم خصوصی در فقه اسلامی»، نخستین کنگره بین المللی جامع حقوق، ۱۳۹۴ ش.
۸. فقیه، عباس، «حریم خصوصی شهروندان با تأکید بر فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی»، فصلنامه فقه و حقوق ارتباطات، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹ ش.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. موسوی خمینی، آیت الله روح اله، تحریر الوسیله، بیروت، انتشارات دارالاسلامیه، بی تا.
۱۱. موسوی خمینی، آیت الله روح اله، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۸۵ ش.
۱۲. موسوی فر، رضیه، «حق آزادی و نظارت مردم از منظر امام خمینی (س)»، مجموعه مقالات کنگره بین المللی تبیین انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۱۳. هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ نخست

ب. منابع عربی

۱۴. انصاری، مرتضی بن محمد امین، کتاب المکاسب (للشیخ الانصاری، ط - الحدیثه)، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
۱۵. حسان، حسین حامد، حقوق الإنسان فی الشریعة الإسلامیة، قاهره، مکتبه الشروق الدولیة، ۱۴۳۰ق.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الأولى، ۱۴۲۳ق.
۱۷. ربیع الشیخ، أخلاق الدعاة الإسلام، قاهره، دار التوزیع و النشر الإسلامی، الطبعة الأولى، ۱۴۲۷ق.
۱۸. سعدی، ابوجیب، القاموس الفقھی لغة و اصطلاحاً، دمشق، دار الفکر، ۱۴۰۸ق.
۱۹. شریجی، علی، الزواجر فی التحذیر من الكبائر، دمشق، دار القلم، الطبعة الأولى، ۱۴۱۹ق.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، بیروت، دار الأضواء، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۶ق.
۲۱. عوده، عبدالقادر، التشریح الجنائی الإسلامی، المجلد الأول، قاهره، مکتبه دار التراث، ۱۴۲۶ق.
۲۲. غزالی، محمد، إحياء علوم الدين، قاهره، دار التقوی، ۱۴۲۱ق.
۲۳. قیومی، احمد بن مقری، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، جلد دوم، قم، منشورات دار الرضی، بی تا.
۲۴. کلینی ابوجعفر، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دار الحدیث للطباعة و النشر، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.